

تجربه



همراه با دل و جان دانش آموز

■ سمیرا السادات خالوبی

آموزگار پایه سوم دبستان دخترانه ناحیه ۲



سمیرا السادات خالوبی با سیزده سال سابقه در امر آموزش، آموزگاری در پایه های دوم، سوم و چهارم ابتدایی را در این مجموعه آزموده است. او دانش آموخته کارشناسی علوم تربیتی و کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی از دانشگاه آزاد اسلامی یزد است.

پایه و اساس هر نظام آموزشی و پرورشی را معلمان و مربیان آن تشکیل می دهند. این عنصر کلیدی می تواند در سایر اجزای آن نظام نیز تأثیرگذار باشد.

صلاحیت دربرگیرنده مجموعه ای از دانش، نگرش، مهارت و برخی خصوصیات شخصی است که کیفیت آن می تواند تأثیر بسزایی در چندوچون محصول نظام آموزشی که همان تربیت و پرورش فرزندان این کشور است، داشته باشد؛ اما تعیین صلاحیت حرفه ای مربیان در گرو اهدافی است که مجموعه آموزشی دنبال می کند؛ لذا جز موارد کلی که لازمه معلمی است، سایر موارد ممکن است در هر مجموعه متفاوت باشد. بی شک معلمی صلاحیت دارد که بتواند وظایف مشخص شده از جانب مدیران مجموعه را به درستی انجام دهد. ملاک هایی نیز برای سنجش میزان تحقق این مطلب مقرر شده است و مدیران به خوبی می توانند از طریق آن ملاک ها صلاحیت معلمان را ارزیابی کنند.

از نگاه من صلاحیت معلم را «حال خوب دانش آموزان» تعیین می کند. آیا معلمی جز این است که باید در ابتدا بر دل و جان دانش آموز بنشیند و با او ارتباط برقرار کند، تفاوت های فردی را در نظر بگیرد و با هر دانش آموز متناسب با توانمندی، شرایط و روحیات خاص خودش رفتار کند و مفاهیم درسی را با بهترین و کارآمدترین روش ها انتقال دهد تا نتیجه مطلوب حاصل شود و آیا هدف جز این است که دانش آموز در پایان، احساس رضایت و توانمندی و موفقیت داشته باشد؟!

در واقع با دستیابی به این موارد حال دانش آموز خوب و احساس او خوشایند خواهد بود. معلمی که به این مهم دست یابد، معلمی است که صلاحیت معلمی کردن را دارد.

شاید در این راستا جبهه گیری هایی هم وجود داشته باشد که جایگاه اهداف آموزشی کجاست. یادگیری و رسیدن به اهداف آموزشی و حال خوب دانش آموزان دو مقوله جدا از هم نیستند. تا زمانی که یادگیری اتفاق نیفتد، دانش آموز از خود رضایت نخواهد داشت، احساس موفقیت نخواهد کرد و در نهایت حال خوب حاصل نخواهد شد؛ اما معلم است که انتخاب می کند چطور و چگونه دانش آموز را به اهداف آموزشی مورد نظر برساند و در این مسیر، همواره به حفظ روحیه یادگیرندگی، اعتماد به نفس و احساس خوشایند دانش آموز بپردازد و شوق یادگیری را در او تقویت کند. در یک کلام، معلم است که می تواند شرایطی را فراهم آورد تا یادگیرنده از مسیر یادگیری لذت ببرد و در نهایت به حال خوب برسد.

لذا صلاحیت یک معلم را «حال خوب دانش آموزان» و صلاحیت مدیران را نیز «حال خوب کارکنان» تعیین می کند. طبیعی است که حال خوب هر جامعه ای نشان از صلاحیت مدیران و مسئولان آن جامعه دارد. از نگاه من، چنانچه شخصی بتواند رسیدن به اهداف و انتظارات تعیین شده را با حال خوب افراد ذی ربط همراه سازد، می توان گفت آن شخص



پرونده ویژه

شماره ۴، تابستان و پاییز ۱۴۰۳



میدان آمده بودند. سی

دانش آموز با انرژی

و احساس رضایت، شادمانه در کنار هم جدول ضرب را بدون خستگی و کسالت تمرین می کردند.

با توجه به شوق و علاقه بچه ها و مشاهده های من مبنی بر مؤثر بودن این روش تصمیم گرفتیم بازی های کلاسی خود را به اشتراک بگذاریم و این حال خوب را با سایر دانش آموزان پایه سوم سهیم شویم. لذا کارگاهی یک روزه با عنوان «چگونه با بازی، ضرب یاد بگیریم؟» برگزار کردیم. طی این کارگاه که دانش آموزان پنج کلاس سوم دیگر در آن حضور داشتند، به نوبت با بچه ها بازی کردیم و ساعتی مفرح را پشت سر گذاشتیم. حضور بازدیدکنندگان و سایر معلمان محترم نیز بسیار مغتنم و ارزشمند بود.

شاید حفظ جدول ضرب با روش های سنتی زودتر به نتیجه می رسید، اما ایجاد اشتیاق و احساس خوبی که بچه ها به این موضوع درسی پیدا کرده بودند و چگونگی رسیدن به این هدف و ایجاد نگرش مطلوب و خوشایند به آن، برای من، در اولویت بود. خدا را شاکرم که با همراهی والدین و مشارکت دانش آموزان به این مهم دست یافتیم و بازخوردهای خوبی نیز گرفتیم. ■

منبع: روزنامه اطلاعات، یکشنبه بیستم دی ماه ۱۳۹۴ به نقل از نشریه رشد تکنولوژی

که بر آن وجود دارد، همچنین ذهنیت سمی و ترسناکی که والدین در بچه ها ایجاد کرده بودند، کاری سخت و پرچالش پیش رو دارم؛ اما برای من یادگیری همراه با حال خوب بچه ها در اولویت بود. بنابراین تصمیم گرفتیم بعد از آموزش مفهوم ضرب، تمرین و تکرار برای حفظ جدول ضرب را با بازی همراه سازم. از دانش آموزان خواستم بازی های فکری مورد علاقه شان را به کلاس بیاورند و با خلاقیت خودشان آن ها را به بازی هایی با مفهوم ضرب تبدیل کنند. شاید در ابتدا این کار سخت و غیرممکن به نظر می رسید؛ اما بعد از اینکه بچه ها آن را آغاز کردند، همه چیز به خوبی پیش رفت. حتی بعضی از دانش آموزان بدون استفاده از قالب بازی های فکری، با خلاقیت خودشان، بازی جدیدی ساختند. یک هفته

از نگاه من صلاحیت معلم را «حال خوب دانش آموزان» تعیین می کند. آیا معلمی جز این است که باید در ابتدا بر دل و جان دانش آموز بنشیند و با او ارتباط برقرار کند، تفاوت های فردی را در نظر بگیرد.

زمان برای ساخت یا تبدیل بازی های فکری به بازی با مفهوم ضرب صرف شد. در نهایت، هر روز تعدادی از دانش آموزان بازی های خود را در کلاس برای دوستانشان توضیح می دادند و اجرا می کردند. چنانچه ایرادی

وجود داشت، مطرح می شد و بچه ها برای بهتر شدن بازی پیشنهادهایی هم ارائه می دادند. پس از معرفی و رفع نواقص بازی ها، ما سی بازی آموزشی با مفهوم ضرب داشتیم که خالق آن دانش آموزان بودند؛ سی بسته بازی با جعبه، ابزار، کارت امتیاز، جایزه، دفترچه دستورالعمل و هر آنچه برای یک بازی لازم بود.

زنگ های تفریح، زمان های استراحت، وقت آزاد کلاسی و زمان تمرین جدول ضرب به انجام بازی می گذشت. بازی هایی که در واقع به صورت پنهان به حفظ جدول ضرب بچه ها کمک می کرد. دانش آموزان در گروه های دونفره یا چندنفره با هم بازی می کردند. دیدن هیجان و حال خوب آن ها من را برای ادامه مسیر مصمم تر می کرد. حتی دانش آموزان منزوی و دانش آموزانی با سطوح یادگیری پایین تر نیز این بار مشتاقانه به

از آنجا که شعار کلاس من «لذت بردن از یادگیری» است، نمی توانستم اجازه دهم بچه ها از مهم ترین مفهوم درسی، در پایه سوم، یعنی جدول ضرب، بدون حال خوب و لذت کافی گذر کنند.

صلاحیت دارد.

در ادامه، یکی از فعالیت های کلاسی ام را خدمت همکاران عزیز ارائه می کنم. این فعالیت با هدف «لذت بردن از یادگیری»، در دو سال تحصیلی متوالی، صورت گرفت و حاصل آن به لطف خدای مهربان یادگیری توأم با حال خوب دانش آموزانم بود.

«بازی، یکی از فعالیت های لذت بخش و سازنده برای همه، به ویژه برای کودکان، و یکی از بهترین وسیله هایی است که از طریق آن می توان بسیاری از مفاهیم را آموزش داد.» استفاده از بازی های آموزشی، در فرایند تدریس، از جمله راهکارهایی است که زمینه لازم را برای افزایش فعالیت های یادگیری فراگیرندگان فراهم می سازد. بازی های آموزشی بیشتر بر تفکر و برنامه ریزی تأکید می کنند تا حفظ کردن مطالب. این مسئله باعث می شود دانش آموزانی که در یادگیری

مفاهیم موجود در نوشته ها و متون چاپی مشکل دارند، از طریق بازی، آن مفاهیم را بهتر درک کنند.

«بچه ها بازی را دوست دارند و از روی میل و رغبت در آن شرکت می کنند. علاوه بر آن، بازی از یکنواختی و کسالت باری محیط های یاددهی یادگیری کم می کند و جوی شاد و زنده را شکل می دهد. به همین دلیل، بچه ها بدون اینکه خود احساس کنند، به تکرار و تمرین مفاهیم یا مهارت های دشوار می پردازند؛»

لذا بهترین روش از نظر من جای دادن موضوعات درسی در دل بازی است.

من نیز برای تدریس مبحث «ضرب» از این روش استفاده کردم تا دانش آموزان در فضایی شاد و لذت بخش، به صورت تعاملی و فعالانه، به تمرین جدول ضرب بپردازند.

از آنجا که شعار کلاس من «لذت بردن از یادگیری» است، نمی توانستم اجازه دهم بچه ها از مهم ترین مفهوم درسی، در پایه سوم، یعنی جدول ضرب، بدون حال خوب و لذت کافی گذر کنند. هر چند می دانستم با توجه به اهمیت این مفهوم و تأکید فراوانی

